

بازنمایی الگوی صدور انقلاب در اندیشه‌ی سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸)

حسین جعفرزاده بهابادی^۱
محسن خلیلی^۲

چکیده

انقلاب‌ها پدیده‌های بین‌المللی هستند؛ زیرا، ایده‌هایشان، انتشار می‌یابند. انقلاب اسلامی ایران نیز، در مدعای «تغییر نظم بین‌المللی»، هم‌جهت با سایر انقلاب‌ها است. نگارندگان مقاله، با در نظر گرفتن الگوهای ناهمانند صدور انقلاب، و با در نظر گرفتن یک پیش‌انگاشت علمی (نزدیک‌بودن نقش‌های دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی به الگوی صدور مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی)، کوشش کرده‌اند نشان دهند که با شمارش مضمون‌های هم‌پیوند با دو نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی در گفتارها و نوشتارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بازه‌ی زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۸، می‌توان به این نتیجه رسید که فراوانی نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی، بیان‌گر تأمین اهداف فراملی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی، از راهرو باور به الگوی فرهنگی صدور انقلاب و صدور مسالمت‌آمیز انقلاب است.

کلید واژه‌ها: صدور انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، گفتارها، نوشتارها، دولت سرمشق، توسعه‌ی داخلی

Email: hosseonjafarzadeh1365@yahoo.com

Email: khalilim@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۵

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲

۱. مقدمه

انقلابیون، انقلاب را مانند موجود زنده‌ای می‌دانند که آفریده شده و رشد یافته و سپس وارد محیط جدیدی شده‌است و با استفاده از منابع محیط‌های دیگر، حفظ بقا می‌نماید. انقلابیون معتقدند که محصورماندن انقلاب، نه تنها مانع رشد انقلاب می‌شود، بلکه به‌علاوه کمبود منابع، دچار استحاله شده و فرومی‌ریزد. انقلابیون به امید بقای انقلاب، صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار می‌دهند. مفهوم صادرکردن انقلاب چه در انقلاب اسلامی پیامبر که می‌تواند وجهی قدسی داشته باشد و چه در انقلاب‌های آمریکا و فرانسه و روسیه که دنیوی و غیرمذهبی بوده‌اند، نتیجه‌ی قهری پدیده‌ی انقلاب در سراسر تاریخ جهان است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۵). اساسی‌ترین نیاز پس از پیروزی انقلاب‌ها، بحث تداوم انقلاب است که نشان از توجه به سرنوشت انقلاب است. شناخت عوامل تداوم انقلاب، باز یافت موانع تداوم و کشف قوانین تداوم انقلاب ضروری است (جواهری، ۱۳۷۸: ۴۴۸).

تعامل انقلاب‌ها با محیط بین‌الملل، مسأله‌ای مهم است. ایدئولوژی اکثر دولت‌های انقلابی حاوی مضامین جهان‌گرایانه‌ی قدرت‌مندی هستند و اعتقاد انقلابیون این است که اصول انقلاب برای جوامع دیگر نیز کاربرد دارد. به‌واقع اگر آرمان‌های انقلاب، آرمان‌هایی جهانی نظیر عدالت و احیای تمدن براساس اندیشه‌ی خاص دینی باشد، امکان گرایش به تکرار انقلاب در کشورهای دیگر افزایش می‌یابد. این حالت مربوط به صدور طبیعی انقلاب‌هاست. صدور انقلاب از طبیعت انقلاب‌ها برمی‌خیزد. انقلابیون در طول تاریخ همگی کوشیده‌اند که اصول انقلاب خود را ترویج دهند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۰۹). رهبران انقلاب، مفاهیم فارغ از زمان را برمی‌انگیزند، جرح و تعدیل می‌کنند و به آن‌ها شکل می‌دهند تا بدان وسیله، مردم را به حرکت درآورند. آرمان‌های عدالت‌خواهی، آزادی، برابری و مردم‌سالاری از آرمان‌های قدرتمند و جذاب در جهان است و برخی از انسان‌ها که از خطر فقدان آن‌ها آگاهی می‌یابند، برای تغییر دنیای پیرامون خود به مبارزه برمی‌خیزند. در واقع، آرمان‌های انقلابی به طلسم یا محکی می‌مانند که مردم و انقلابیون را در مسیر مبارزه‌ی دشوار به حرکت درمی‌آورد (فوران، ۱۳۸۲: ۱۷۱).

۲. چهارچوب روش‌شناختی

مسأله‌ی صدور انقلاب در جمهوری اسلامی، با توجه به اهداف فراملی و جهان‌شمولی اسلام به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی انقلابی، از همان آغاز انقلاب مطرح، ولی شیوه‌های آن در دوره‌های گوناگون متفاوت بوده است. در واقع، اندیشه‌ی انقلاب در دوسوی طیفی قرار گرفت که یک‌سوی آن آرمان‌گرایانی بودند که استفاده از هر وسیله‌ای را برای صدور انقلاب مجاز می‌دانستند، و دوسوی دیگر، واقع‌گرایانی قرار داشتند که منکر اهداف فراملی انقلاب از جمله صدور انقلاب نبودند، ولی استفاده از هر روشی را جهت تأمین این اهداف مناسب نمی‌دانند. در اواخر دهه‌ی ۶۰ شرایطی به‌وجود آمد که

ایجاب می‌کرد سیاست خارجی آرمان‌گرای ایران، به سیاست خارجی واقع‌گرا تغییر ماهیت دهد. برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه، بازسازی خرابی‌ها و خسارات ناشی از جنگ و سیاست تنش‌زدایی، از جمله اهدافی بود که لازمه‌ی تحقق آن، تغییر رفتار در سیاست خارجی بود. بنابراین، در سیاست خارجی ایران، مقوله‌ی نقش ملی، بازآفرینی شد.

نگارندگان نوشتار، درصددِ بازخوانی نزدیک‌ترین نقش‌های ملی به مفهوم صدور انقلاب، در بازتفسیر نوشتارها و گفتارهای رهبر کنونی انقلاب هستند. پرسش اصلی مقاله این است که بازشماری گفتارها و نوشتارهای مقام رهبری در زمینه‌ی مقوله‌ی صدور انقلاب، نمایان‌گر حضور کدام‌یک از نقش‌های ملی موجود در سیاست خارجی است؟ از آنجایی که دیدگاه‌های رهبر جمهوری اسلامی، نقشی اساسی در شکل‌گیری سیاست خارجی دارد، نگارندگان با گزینش مفهوم نقش ملی در سیاست خارجی، کوشش کرده‌اند نشان دهند که پرسامد بودن برخی نقش‌ها، نشان‌گر هژمونیک شدن مفهوم صدور فرهنگی انقلاب در سیاست خارجی ایران است. فرض نخستین نگارندگان چنین است: در بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب اسلامی، نقش‌های دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی، از بسامد بیشتری برخوردار است. این موضوع، نشانگر چیرگی الگوی مسالمت‌آمیز صدور انقلاب، و برتری واقع‌گرایی در تأمین اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

برخلاف آن که نوشته‌های بسیاری درباره‌ی مقوله‌ی صدور انقلاب وجود دارد، ولی به سیاق و سبکی که نویسندگان درپیش گرفته‌اند، هیچ نوشتاری وجود ندارد که مفهوم صدور انقلاب را با کاربست مفهوم نقش ملی در سیاست خارجی و از راهرو شمارش تفسیرگونه‌ی گفتارها و نوشتارهای مقام رهبری (در بازه‌ی زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۸)، بازنمایی نماید. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸)، حشمت‌زاده و گواهی (۱۳۸۰)، عمیدزنجانی (۱۳۸۱)، امرایی (۱۳۸۳)، حشمت‌زاده (۱۳۸۵)، فرزندی اردکانی (۱۳۸۶)، دهشیری (۱۳۸۸)، تاجیک (۱۳۷۹)، اسپوزیتو (۱۳۸۲)، فارسی (۱۳۶۸)، فراتی (۱۳۸۱)، مصباح یزدی (۱۳۸۶)، تاجیک و دهقانی (۱۳۸۲)، محمدی (۱۳۸۵)، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۰)، فلاح‌نژاد (۱۳۸۴)، مجرد (۱۳۸۶)، دهقانی و رادفر (۱۳۸۸)، نوازنی (۱۳۸۸)، دهقانی فیروزآبادی و رادفر (۱۳۸۹)، خلیلی و مظفری‌پور و موسوی‌زاده جزایری (۱۳۹۰)، خلیلی و حمیدی (۱۳۹۰)، خرمشاد و همکاران (۱۳۹۰)، برزگر (۱۳۹۱)، یزدانی و اخجسته (۱۳۹۱)، جمال‌زاده (۱۳۹۱)، نوشتارهای گوناگونی هستند درباره‌ی مفهوم صدور و بازتاب انقلاب اسلامی. اما، نگارندگان مقاله‌ی پیش‌رو، سبکی دیگر برگزیده و به بازنمایی چپستی الگوی صدور انقلاب از خلال شمارش بسامد دو نقش ملی دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی، در نوشتارها و گفتارهای مقام رهبری

دست یازیده‌اند. شایان یادآوری است که مفهوم نقش از هالستی (۱۳۷۳: ۲۰۵) و مفهوم صدور فرهنگی و مسالمت‌آمیز انقلاب از دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۷: ۱۶۵-۲۲۵)، گرفته شده است.

۴. صدور انقلاب و سیاست خارجی

انقلاب‌ها نظم بین‌المللی موجود را برهم می‌زنند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۷۶). انقلاب به‌عنوان پدیده‌ای انترناسیونالیستی می‌تواند داعیه‌ای جهانی داشته باشد. انقلاب‌ها به‌واسطه‌ی ایدئولوژی‌ای که دارند نمی‌توانند محدود به یک منطقه‌ی خاص باشند. ایدئولوژی آن‌ها حکم می‌کند که به دنیای خارج نیز توجه داشته باشند و در پی صدور ارزش‌های خود به جهان خارج باشند (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۱). انقلابیون در طول تاریخ همگی درصدد «ترویج اصول انقلابی» خود بوده‌اند؛ بنابراین، می‌توان این حکم کلی را صادر کرد که «گویا صدور انقلاب پیامد طبیعی شور انقلابی است، به‌ویژه به‌سبب آن‌که انقلابیون حقیقتاً به‌جانب هستند که می‌خواهند بهشت را به زمین بیاورند» (اسپوزیتو، ۱۳۸۵: ۸۵). انقلابیون می‌خواهند روح کلی انقلاب را که در کشورشان تجسم یافته است، به حرکت درآورند و پیام‌های خود را در دیگر کشورها علنی کنند.

انقلاب ایران نیز، با الهام‌گیری مستقیم از ایدئولوژی اسلامی که داعیه‌ی سعادت تمام جهانیان را داراست، طبیعی بود که نمی‌توانست در جغرافیای ایران توقف نماید و می‌بایست پیام آن به ملل مسلمان همسایه و سپس به همه‌ی ملل مستضعف جهان برسد. از این‌رو صدور انقلاب، به‌عنوان یک هدف فراملی از روزهای نخست مورد توجه قرار گرفت (معبادی، ۱۳۸۱: ۶۵). بعد فراملی انقلاب اسلامی ناشی از این نکته است که اسلام دینی جهانی و خاتم ادیان است و بدین‌سان انقلاب اسلامی نیز ارائه‌دهنده‌ی نظام جهانی ویژه‌ی خود است (محمدی، ۱۳۸۰: ۸۱).

وقوع انقلابی با ماهیت اسلامی و ایدئولوژیک، دگرگونی عظیمی را در سیاست خارجی ایران به‌وجود آورد. سیاست خارجی متحول ایران، دوره‌های متفاوتی داشته است. دوره‌ی اول را می‌توان «عدم‌تعهد ملت‌گرایانه» نامید، که با دولت موقت آغاز می‌شود. اولویت نخست این دوره پایان‌دادن به «اتحاد عملی و چاکرمنشانه‌ی رژیم شاه» با آمریکا و استوارساختن مناسبات دو کشور برپایه‌ی برابری بود. در این دوره کوتاه، سیاست خارجی برپایه‌ی توازن استوار بود (اسدی، ۱۳۸۷: ۳۸) سیاست کلی این دوره تمایل به غرب و نگرانی از نفوذ بلوک شرق، عدم دخالت در امور داخلی دیگران و بهبود مناسبات ایران و آمریکا بود (امیری، ۱۳۸۵: ۵۰). در عمل، سیاست خارجی دولت موقت مبتنی بر عدم به‌کارگیری زور و مسالمت‌جویی مفرط بود که حکایت از خوش‌بینی به سیاست بین‌الملل، می‌نمود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۹-۱۹۸).

دوره‌ی دوم (۱۳۶۸-۱۳۶۰) با کناررفتن ملی‌گراها از قدرت آغاز می‌شود. به باور رضائی، اشغال سفارت آمریکا، بوته‌ی آزمایش سیاست خارجی انقلابی و آرمان‌گرایانه‌ای شد که ایران را در مقابل

بیشتر کشورهای جهان قرار داد(اسدی، ۱۳۸۷: ۳۹). ایران در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۰، تلاش می‌کرد بدون توجه به نظام حاکم در روابط بین‌الملل، هنجارهای موجود را برهم‌زده و نظم موردنظر خود را جایگزین آن‌ها نماید. بنابراین، سیاست خارجی جدید ایران مخاطبین خود را، ملت‌ها قرار داد با این امید که با ایجاد ارتباط با ملت‌ها قادر خواهد بود به اهداف انقلاب دست یابد؛ هدف‌هایی مانند صدور انقلاب اسلامی، جهاد در دو بعد فرهنگی و نظامی، استکبارستیزی و بیداری ملل مستضعف، بیداری ملل مسلمان جهان به‌خصوص بیداری ملل حاشیه‌ی خلیج فارس(ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۴). در این دوره، الگوی منحصر به فرد نه شرقی و نه غربی حاکم، و از جایگاه بسیاروالایی(صدقی، ۱۳۸۶: ۱۷۵) در سیاست خارجی انقلابی برخوردار بود.

مرحله‌ی سوم سیاست خارجی، از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ آغاز گردید. در این مرحله رهبران سیاسی ایران درصدد بودند تا زمینه‌ی لازم جهت همگرایی در نظم بین‌المللی جدید را فراهم آورند. رهبران ایران، بر مؤلفه‌هایی مانند دیپلماسی سازنده تأکید داشتند(احتشامی، ۱۳۷۸: ۹۹-۹۸). از سال ۱۳۶۸ به بعد مجریان سیاست خارجی، در چارچوب واقع‌گرایی نسبی سعی کردند سیاست‌های آرمان‌گرایانه‌ی دهه‌ی اول انقلاب را با سیاست‌های کارآمدتری جایگزین کنند. ضرورت عنایت به مسائل اقتصادی و تأمین منافع ملی در بعد اقتصادی موجب شد که ایران برای دستیابی به اعتبار و قدرت، سیاست عملگرایی همزیستی با دیگران را دنبال کند(ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۷). با آغاز هفتمین دوره‌ی ریاست جمهوری، مرحله‌ی چهارم سیاست خارجی شروع شد. در این دوره رهیافت واقع‌گرایی در سیاست خارجی ادامه یافت با این تفاوت که نحوه‌ی بیان و شیوه‌ی برخورد با بازیگران تغییر کرد و سیاست تعدیل اقتصادی و قائل شدن به توسعه‌ی صنعتی، جای خود را به توسعه‌ی سیاسی داد و در روابط خارجی پذیرش پلورالیسم به معنی نفی نظام تک‌قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد(ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

پس از انتخابات نهمین دوره‌ی ریاست جمهوری، اصول‌گرایی عدالت‌محور بر سیاست خارجی حاکم گردید. در این دوران ایران در سیاست داخلی و خارجی خود درصدد احیاء ارزش‌ها و آرمان‌های صدر انقلاب برآمد. آن‌چه که گفتمان اصول‌گرایی را از مرحله‌ی سوم و چهارم سیاست خارجی، متمایز می‌کند اولویت یافتن اهداف ایدئولوژیک و تغییر در نظم جهانی، در سلسله‌مراتب اهداف سیاست خارجی ایران است. اصول‌گرایان چنین استدلال می‌کنند که از آن‌جاکه در دو دوره‌ی پیشین سیاست خارجی، تعادل بین منافع ملی و مصالح اسلامی، برهم‌خورده است، بنابراین تلاش برای بازیابی توازن، موجب ارتقای اولویت و اهمیت مصالح ایدئولوژیک معطوف به نظم جهانی در سیاست خارجی می‌شود(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۵-۲۳۱). آن‌چه که سبب تمایزگذاری در محتوا و شیوه‌ی رفتاری سیاست خارجی در دوره‌های چندگانه‌ی پسانقلاب می‌شود، «نقش ملی» است. در هر دوره،

نخبگان حاکم، برداشتهایی ناهم‌اند از آنچه که می‌بایست سرشت سیاست خارجی ایران باشد، داشتند و گمان می‌کردند که جایگاه ایران در نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که می‌بایست برخی از نقش‌های ملی را فراموش کند و برخی دیگر را پیشه‌ی خود سازد.

۵. نقش‌های ملی در سیاست خارجی

نقش‌های ملی به‌عنوان یکی از بروندهای سیاست خارجی می‌تواند تأثیری قابل‌توجه در اتخاذ تصمیمات از سوی بازیگران سیاست بین‌الملل داشته باشد. نقش‌ها، با جهت‌گیری‌ها و اهداف سیاست خارجی رابطه‌ی نزدیکی دارند و ایدئولوژی در شکل‌دهی به آن‌ها مؤثر است (ستوده، ۱۳۸۵: ۸۸-۸۷). نقش ملی تعریفی است که سیاست‌گذاران از انواع متداول تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولت‌شان، و وظایفی که دولت‌شان در شرایط گوناگون جغرافیایی ایفا می‌کند، به‌عمل می‌آورند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۹۸). نقش‌های ملی در سیاست خارجی است که تعیین می‌کند یک دولت در یک وضعیت خاص و دوره‌ی زمانی معین چگونه خود را با جهان خارج مربوط می‌سازد و چه هدف‌های عام و خاصی را در رابطه با دیگر بازیگران بین‌الملل دنبال می‌کند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۴۴۲).

بنابه باور هالستی، دو نمونه از نقش‌های ملی که سطح تنش و درگیری کمتری را در صحنه‌ی روابط بین‌الملل به‌وجود می‌آورد عبارت‌اند از دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی. این مفهوم از نقش (نقش دولت سرمشق) بر اهمیت افزایش حیثیت و کسب نفوذ در نظام بین‌الملل از راه تعقیب خط‌مشی‌های داخلی خاص تأکید دارد. نقش توسعه‌ی داخلی به وظیفه‌ای مشخص در نظام بین‌الملل اشاره ندارد، بلکه نشان‌دهنده‌ی این فکر است که بیش‌ترین تلاش حکومت باید متوجه مسائل توسعه‌ی داخلی‌اش باشد (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۰۵). دو نقش توسعه‌ی داخلی و دولت سرمشق از سال ۱۳۶۸ به‌بعد، از جمله نقش‌های بارز در سیاست خارجی ایران بوده است. بازتاب این دو نقش در سیاست خارجی، نشان‌دهنده‌ی تغییر در الگوی صدور انقلاب نیز هست. با حضور این دو نقش، به‌نظر می‌رسد در سیاست خارجی ایران، جایی برای صدور قهرآمیز انقلاب، باقی نمی‌ماند. تحلیل محتوای نوشتارها و سخنرانی‌های رهبر کنونی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ می‌تواند گواه چنین سخنی باشد.

۶. دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی در گفتارها و نوشتارهای رهبر انقلاب اسلامی

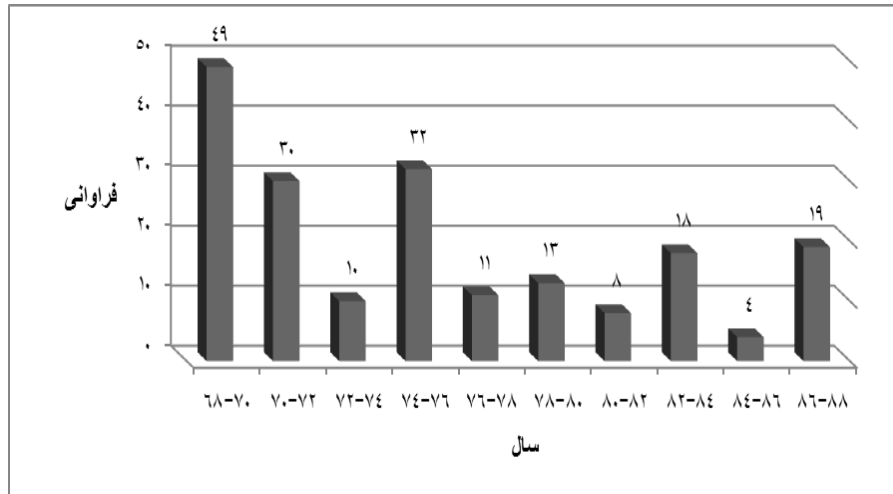
نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی از جمله نقش‌هایی هستند که کمترین سطح درگیری را در روابط بین‌الملل ایجاد می‌کنند. زیرا در این دو نقش نوعی درون‌گرایی مشاهده می‌شود که حیطة‌ی

مسئولیت‌ها، جهت دستیابی به اهداف این دونقش، در درون مرزهای جغرافیایی متمرکز شده است. در نقش دولت سرمشق دولت از طریق دنبال کردن خطمشی‌های داخلی خاص خود در پی کسب نفوذ بر دیگر دولت‌ها می‌باشد. در نقش توسعه داخلی هم تلاش حکومت در پرداختن به مسائل توسعه داخلی می‌باشد (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۰۵). در این بخش از مقاله، کوشش شده است ضمن آوردن شواهدی از لابه لای گفتارها و نوشتارهای مقام رهبری جمهوری اسلامی، بسامد داده‌های مربوط به نقش دولت سرمشق و توسعه داخلی، به صورت جدول و نمودار نشان داده شود تا فضا برای تفسیر داده‌ها آماده گردد.

جدول (۱): نقش دولت سرمشق در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۴۹	۲۵٪
۷۰-۷۲	۳۰	۱۵٪
۷۲-۷۴	۱۰	۵٪
۷۴-۷۶	۳۲	۱۶٪
۷۶-۷۸	۱۱	۶٪
۷۸-۸۰	۱۳	۷٪
۸۰-۸۲	۸	۴٪
۸۲-۸۴	۱۸	۹٪
۸۴-۸۶	۴	۲٪
۸۶-۸۸	۱۹	۱۰٪
فراوانی مجموع	۱۹۴	۱۰۰٪
میانگین	۱۹	

نمودار(۱): نقش دولت سرمشق در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای(۱۳۶۸-۱۳۸۸)



از مجموع ۱۹۴ داده‌ی به‌دست‌آمده‌ی مربوط به متغیر نقش دولت سرمشق، به تعدادی از آن‌ها به صورت نمونه اشاره می‌کنیم.

«شما اگر امروز به مردم فلسطین در داخل سرزمین‌های اشغالی نگاه کنید، می‌بینید که حقیقتاً مردم با فشار مبارزه کردند. این مبارزه در شرایط سختی در فلسطین انجام می‌گیرد؛ اما مردم این مبارزه را ادامه دادند. همین ملت افغانستان که با سختی‌های بسیار مواجه شدند و در سرتاسر دنیا هیچ‌کس نبود که حتی یک روز به داد این‌ها برسد و به آن‌ها کمک کند، تنها و مظلومانه جنگیدند و ایستادند و ادامه دادند. بقیه‌ی ملت‌ها هم همین‌گونه‌اند و این از الگوی اسلام و جمهوری اسلامی در ایران ناشی می‌شود. انقلاب، این‌طور صادر می‌شود و درس و تعلیم و سرمشق برای ملت‌ها به‌وجود می‌آورد.»^(۱) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

«علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه‌ی انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره‌ی باعظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئناً نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه‌ی مطلوب را به دنیا ارائه بدهد.»^(۲) ۱۳۶۸/۰۵/۱۲

«از این‌رو، جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین وظیفه‌اش آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق بخشد و جامعه را به‌صورت یک جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی درآورد.»^(۳) ۱۳۶۹/۰۳/۰۱

«همه به سمت ایجاد یک جامعه‌ی اسلامی پیشرفته‌ی مستقل، جامعه‌ی امام، جامعه‌ی پیشاهنگ، جامعه‌ی الگو، ملت شاهد- ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عمل‌شان پیاده کنند- حرکت نمایند.»^(۴) ۱۳۶۹/۰۹/۲۸

«با این کشور با عظمت و بزرگ، با این تاریخ پُر بار، ما می‌توانیم یک ملت قوی و نیرومند و برای اسلام مایه‌ی افتخار باشیم. این ملت می‌تواند برای مسلمین در سرتاسر دنیا الگو باشد؛ این‌ها ممکن است. تا الان هم بحمدالله همین‌طور بوده است.»^(۵) ۱۳۶۹/۰۵/۲۹

«ما می‌توانیم آن ملتی باشیم که زندگی و جریان امور داخل کشور و وضع اقتصادی و قضایی و عدالت و حاکمیت عدل و انصاف در جامعه‌ی ما به‌نحوی باشد که ملتهای دیگر را تشویق کند و آن‌ها را به پیمودن این راه ترغیب و امیدوار نماید.»^(۶) ۱۳۶۹ / ۰۴/۲۵

«برادران! ما امروز در سطح جهان باید کاری کنیم که عمل اسلامی و خواست اسلامی در کشور ما، با برجستگی در مقابل چشم ملتها قرار بگیرد.»^(۷) ۱۳۷۰/ ۱۱/۰۲

«در درون خود، باید آن نور معنویت، آن شکر، آن صبر، آنیقین، آن عبادت، آن ذکر را برافروزیم و روشن کنیم، تا این ملت بتواند برای ملتهای دیگر الگو بشود، تا بتواند سعادت برای خود و ملتهای دیگر بیاورد، تا بتواند ازبلیاتی که انسان‌ها به‌خاطر آلودگی‌های نفسانی و روحی دچار آن هستند- این منیتهای و خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها- در امان و برکنار بماند.»^(۸) ۱۳۷۰/ ۱۰ / ۱۹

«والله امروز در دنیا دشمنان تان هم در مقابل عظمت شما مردم، انگشت حیرت به دندان گزیده‌اند. این جوانان ما، از انقلاب و کشورشان هشت سال دفاع جانانه کردند. ملت ایران دنیا را به حیرت فرو برد و برای کشورهای دیگر سرمشق شد.»^(۹) ۱۳۷۰/۰۱/۲۹

«ما برای استکبار، هیچ‌گونه اُبّهت و ارزشی قائل نیستیم. بگذار خشمگین باشند. امروز در سطح جهان، قدرت‌های استکباری می‌خواهند با استبداد و خودسری عمل کنند. این‌را اگر دولت‌های وابسته و سرسپرده پذیرفته‌اند، ما نمی‌پذیریم. ملتهای آزاده، بخصوص ملت ما نمی‌پذیرند. ما ملت بزرگی با امکانات بی‌شمار و استعداد فراوان هستیم. این‌ها رازنده خواهیم کرد، تاروش ملت ایران، الگویی برای ملتهای در بند باشد.»^(۱۰) ۱۳۷۱/۰۷/۱۸

«این نظام، نظام الهی است. ملت مؤمن ما، ملتی است که، اما جوان. امروز جوان، چهره‌ی اصلی این ملت را تشکیل می‌دهد. این ملت جوان و پُرشور ایستاده است تا راه سعادت را که شروع کرده است به پایان ببرد و برای ملتهای دیگر سرمشق باشد. اگر شما توانستید از این گردنه عبور کنید- که بیش‌تر از نصف آن‌را تا به‌حال عبور کرده‌اید- برای ملتهای دیگر تجربه خواهد شد. امریکا هم از همین می‌ترسد. امریکا می‌خواهد به‌گونه‌ای، نگذارد که شما این گردنه را تمام کنید، یا شما را در گردنه سرنگون کند، که می‌داند این کار نشدنی است.»^(۱۱) ۱۳۷۰/ ۰۳ /۲۵

«این که ما می‌گوییم «انقلاب یک وجهه‌ی بین‌المللی و جهانی دارد» به این معنا نیست که انقلاب در امور کشورها و ملتها دخالت می‌کند. انقلاب یک پیام، حرف منطقی و یک راه روشن دارد. این راه روشن در مقابل چشم ملتهاست. ملتها آن را می‌بینند. اگر بیسندند آن را می‌پذیرند و از آن راه می‌روند. ما هیچ تحمیلی بر ملتهای دیگر نداریم؛ اما واقعیتی که اتفاق افتاده این است که ملتها این راه روشن را

دیده‌اند و شناخته‌اند. تعداد ملت‌هایی که پیمودن این راه را انتخاب کرده‌اند، کم نیست.»^(۱۲) ۱۳۷۴/۰۳

۱۳۷۴/

«ملت ایران ملتی بزرگ و شجاع است؛ ملتی است که متکی و متوکل علی‌الله است. راه او هم راه روشنی است. راهش عبارت است از فراهم آوردن یک نظام انسانی سالم، مرفه، آباد، امن و امان برای افراد این کشور، تا برای ملت‌های دیگر الگو شود.»^(۱۳) ۱۳۷۵/۰۹/۲۴

«دفاع این ملت برای ملت‌های دیگر، الگو و نمونه و اسوه بود و ان‌شاء‌الله دیگران از آن درس گرفته باشند و ملت‌های مسلمان، آن‌وقتی که لازم است، بتوانند از خودشان دفاع کنند. امروز هم سازندگی این کشور برای ملت‌های دیگر الگوست و باید از آن درس بگیرند. متکی به خود شوند و کشورشان را بسازند. از دیگران احساس استغنا کنند و بی‌نیاز شوند.»^(۱۴) ۱۳۷۵/۰۹/۲۴

«امروز نوبت ماست و میدان فداکاری در پیش ما باز است. همه باید تلاش کنیم، زحمت بکشیم، فشارها را تحمل کنیم و سختی‌ها را به جان بخریم، برای این که بتوانیم یک الگوی درست از زندگی یک ملت و اداره‌ی یک کشور به مردم دنیا ارائه دهیم. هدف این است که هم مردم را به سعادت اسلامی و به آن چه که اسلام برای آن‌ها خواسته، برسانیم و هم این نمونه را در دنیا در مقابل چشم انسان‌ها قرار دهیم؛ که خوشبختانه نمونه پُر‌جاذبه‌ای هم هست.»^(۱۵) ۱۳۷۷/۰۶/۲۴

«دشمنی آمریکا از بین نخواهد رفت؛ چون حکومت اسلامی صرفاً ایجاد یک نظام و رژیم جدید در یک کشور نیست؛ ایجاد یک الگوست. عیب کار برای آمریکایی‌ها این است.»^(۱۶) ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

«الان جمهوری اسلامی، در دنیا یک الگو و یک حقیقت واقعی و موضوع مجسم است و علی‌رغم ناباوری‌ها، یک واقعیت است. تأثیر این الگوی واقعی در توجه اذهان به اسلام و به امکان تحقق آن، از هزاران کتاب و سخنرانی بیش‌تر است؛ یعنی امروز در دنیای اسلام و در بین نخبگان و جوانان دنیای اسلام، این نسخه یک نسخه‌ی عملی، تحقق‌یافته و ملموس است؛ این‌طور نیست که بحث تئوریک و فلسفی بکنند و کسی را به چیزی قانع کنند؛ نه، این، اتفاق افتاده؛ نظامی بر پایه‌ی مبانی و احکام و ارزش‌های اسلامی به‌وجود آمده و الان تحقق دارد.»^(۱۷) ۱۳۸۳/۰۶/۳۱

«احساس می‌کنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف، توانایی‌های لازم را داریم. این هدف بزرگ عبارت است از سربلندی ایران اسلامی، الگوشدن در میان ملت‌های مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی. معنای این حرف این است که ملت ما، هم از لحاظ مادی و هم از جنبه‌های معنوی ارتقاء پیدا کند؛ استقلال ملی داشته باشد؛ عزت ملی داشته باشد؛ توان و ظرفیت ملی داشته باشد؛ بتواند از همه‌ی ظرفیت‌های خود استفاده کند؛ از رفاه عمومی برخوردار باشد و عدالت عمومی و اجتماعی بر زندگی او حاکم باشد. این ملت در آن صورت می‌شود الگو برای همه‌ی جوامع مسلمان و حتی غیر مسلمان. ملت ایران می‌خواهد ملتی باشد آزاد، مرفه، بالیمان، و کشوری داشته باشد آباد و پیشرفته؛ این هدف ملت ایران است.»^(۱۸) ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

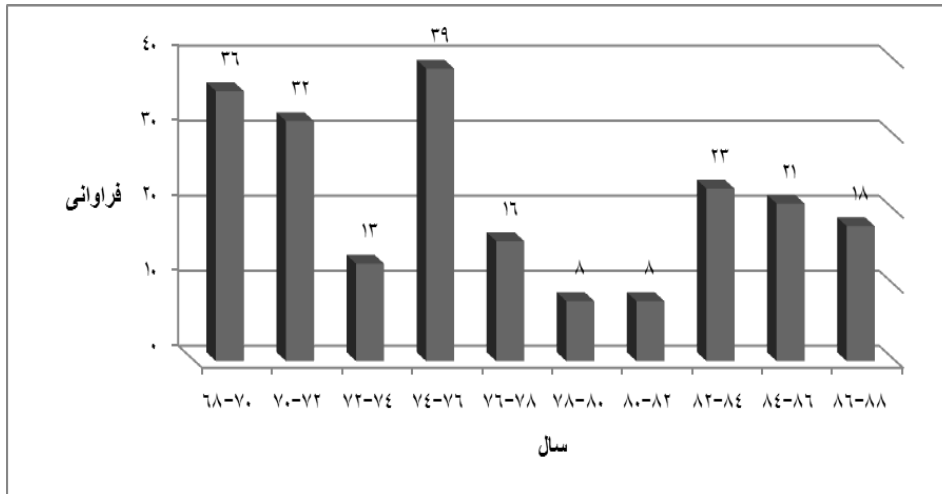
«ما آمدیم برای این که یک جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدیم تا حیات طیبه‌ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردم‌مان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه‌ی اسلامی در کشور ما می‌تواند و می‌توانست و می‌تواند هم‌چنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای این که دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره‌ی طیبه بکنیم؛ ما برای این آمدیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست.»^(۱۹) ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

«ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه می‌کنند، شوق پیدا کنند و آن راه را دنبال کنند؛ از راه ترویج معارف اسلامی و از راه صراحت در دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام و ملت‌های مظلومی که در دنیای اسلام پامال ظلم استکبار شده‌اند. این گسترش نظام اسلامی است که اتفاق افتاد.»^(۲۰) ۱۳۸۷/۰۳/۱۴

جدول (۲): نقش توسعه‌ی داخلی در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۳۶	۱۷٪
۷۰-۷۲	۳۲	۵٪
۷۲-۷۴	۱۳	۶٪
۷۴-۷۶	۳۹	۱۸٪
۷۶-۷۸	۱۶	۷٪
۷۸-۸۰	۸	۴٪
۸۰-۸۲	۸	۴٪
۸۲-۸۴	۲۳	۱۱٪
۸۴-۸۶	۲۱	۱۰٪
۸۶-۸۸	۱۸	۸٪
فراوانی مجموع	۲۱۴	۱۰۰٪
میانگین	۲۱.۴	

نمودار (۲): نقش توسعه‌ی داخلی در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۸-۱۳۶۸)



از مجموع ۲۱۴ داده‌ی به‌دست‌آمده از گفتارها و نوشتارهای مقام رهبری، مربوط به نقش توسعه‌ی داخلی، به تعدادی از آن‌ها به‌صورت نمونه اشاره می‌کنیم.

«سازندگی باید در تمام ابعاد مادی و معنوی آن صورت گیرد. هم باید چرخ‌های اقتصاد به‌حرکت درآید، و هم باید روحیه‌ی معنوی و اخلاق و رابطه‌ی با خدا در ما تقویت شود. همه‌ی ما در قبال این وظیفه‌ی بزرگ مسؤولیم.»^(۳۱) ۱۳۶۸/۰۴/۰۳

«ما وظیفه داریم برای آبادانی کشور تلاش کنیم و سازندگی را در همه‌ی ابعاد طبیعت و شهرها و روستاها و اقتصاد و صنعت و کشاورزی و اشتغال و... محقق سازیم. هم چنین وظیفه داریم فقر و محرومیت را در کشور از بین ببریم و به زندگی این قشر بیش‌تر رسیدگی کنیم. این، وظیفه‌ی ما و وصیت امام(ره) است.»^(۳۲) ۱۳۶۸/۰۴/۰۳

«امروز، وظیفه‌ی همه‌ی آحاد ملت، مخصوصاً آن کسانی که در میدان‌های خطر، تلاش کرده‌اند و از جان و عمر و جوانی و عزیزان خود، مایه گذاشته‌اند- مثل شما عزیزان و همه‌ی قشرهای مؤمن، خانواده‌های شهید، جان‌بازان و کسانی که بیش از همه برای انقلاب دل سوزانده‌اند و سرمایه‌گذاری کرده‌اند- این است که باید تلاش کنند؛ تلاش پشت سر مسؤولان، برای سازندگی کشور به‌صورت یک کشور قدرت‌مند.»^(۳۳) ۱۳۶۹/۰۵/۲۹

«دولت و ملت، باید سازندگی کشور را وظیفه‌ای انقلابی بدانند؛ با هم‌کاری و بایسیج همه‌ی نیروها و استعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیش‌رفته بسازند که امید را در دل ملت‌های مظلوم زنده کند و راه آسایش مادی و تعالی معنوی را به آنان ارایه نماید.»^(۳۴) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

«شما بچه‌های این مرز و بومید. شما نسبت به این کشور مدیونید. کشور متعلق به شماست؛ بایستی خانه‌ی خودتان را آباد کنید. این ظرفیت را بایستی در راه آبادی کشور به کار بیندازید و این صنعت عظیم را که امروز تقریباً رگ حیات کشور هم به آن بسته است، یا لاقلاً بخش مهمی از آن این طور است، هر چه می‌توانید، پیش ببرید، توسعه بدهید، مدرن کنید، و از این برای پیش‌برد کل صنعت و فن کشور استفاده نمایید.»^(۲۵) ۱۳۷۰/۰۹/۱۲

«ما هرگز به داشته‌های دیگران پشت نمی‌کنیم. هر کسی هر چه دارد؛ چه علم، چه امکانات، چه تکنولوژی و موجودی فنی او - وقتی که ناگزیر باشیم - اگر بتوانیم همه‌ی آن‌ها را در خدمت هدف‌های خودمان قرار بدهیم، لحظه‌ای دریغ نخواهیم کرد. ما همه‌ی این‌ها را بایستی وسیله و پلی برای جوشیدن استعداد سازندگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که می‌توانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر استفاده‌ی از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید می‌شود، برای ما مبارک‌تر از مشابه خارجی آن است؛ حتی اندکی بهتر از آن که از دست دیگری و دروازه‌بی از دروازه‌های کشور وارد بشود.»^(۲۶) ۱۳۷۰/۰۹/۱۲

«کار بزرگ است، بار سنگین است؛ اما بر دوش شما و همین جوانان مؤمن و کارآمد است. جوانان ما باید خودشان را آماده کنند. جهادگران، دانشجویان و متخصصان ما و دستگاه‌های دولتی هم باید از آن‌ها استفاده کنند، تا این کشور را بسازند و الگو کنند.»^(۲۷) ۱۳۷۰/۰۳/۲۸

«انقلاب این ویرانی‌ها را به دست چه کسانی آباد می‌کند؟ به دست شما. اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیش‌رفت همه جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیش‌رفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه‌ی همه قشرها، مخصوصاً قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعت‌گر، کارگر، محصل، استاد، معمم، فرهنگی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرند. یکی این که در سازندگی کشور، همه باید با هم شرکت کنند. دوم این که در سازندگی نفس خود کوشش کنند.»^(۲۸) ۱۳۷۴/۰۷/۲۲

«نکته‌ی دوم در باب مسائل داخلی خود ماست. به فضل پروردگار، کشور در حال حرکت به جلو است. دولت و مسؤولان و ملت تلاش می‌کنند، مملکت را می‌سازند؛ هم از لحاظ سازندگی اقتصادی و بنای بنیان‌های لازم در این کشور و هم از جهت معنوی و فرهنگی. البته، دشمن خیلی تلاش می‌کند که رخنه و نفوذ و تهاجم کند و ضربه بزند و نگذارد سازندگی انجام شود؛ اما در مقابل، کار می‌شود و به فضل پروردگار، این کار ادامه پیدا خواهد کرد.»^(۲۹) ۱۳۷۴/۱۲/۰۱

«کشور باید از تمام ابعاد مختلف، ساخته شود. یعنی شما هر کدام، متصدی بخشی از بخش‌های کشور هستید، تلاش زیادی هم می‌کنید و این تلاش‌ها، بایستی باز هم حتی مضاعف شود.»^(۳۰) ۱۳۷۵/۰۶/۰۸

«کار و علم و فرهنگ و کلاس درس و آزمایشگاه و دانشگاه و محیط کارگری و کارخانه‌ی شما، می‌تواند روزبه‌روز در پیش‌رفت این کشور تأثیر بگذارد و ملت‌ها را امیدوار و دشمن را خوار کند و مستبدان عالم و دیکتاتورهای بین‌المللی را- که مظهرش هم دولت امریکاست- روزبه‌روز از اهداف پلیدشان دورتر سازد. این، آن جهت‌گیری کار است. امروز، در جمهوری اسلامی جهت کار باید این باشد.»^(۳۱) ۱۳۷۵/۰۲/۱۲

«و اما مسائلی که مربوط به کشور است؛ هر ملتی که زنده و بیدار و آگاه باشد و بخواهد کشور خود را از مشکلاتی که بر آن تحمیل شده است، نجات دهد، باید تا آن‌جا که می‌تواند، در میدان کار و تلاش و سازندگی، با قدرت پیش برود و گوشش بدهکار حرف و گفتِ دشمنان و این و آن نباشد. فرقی نمی‌کند؛ همه بخش‌های سازندگی در این جهت مهم است: سازندگی علمی و صنعتی، سازندگی اقتصادی، سازندگی فرهنگی و سازندگی اخلاقی.»^(۳۲) ۱۳۷۶/۰۷/۲۴

«در این دورانی که دشمنان انقلاب، کمین گرفته‌اند تا شاید بتوانند از برخی از مشکلات اقتصادی یا تعطیل بعضی از کارها، احیاناً نقطه‌یضعفی برای نظام، یا برای دولت و مسؤولین دلسوز خدمت‌گزار درست کنند، وظیفه‌ی همه و بخصوص شماست که تلاش خودتان را مضاعف کنید تا بتوانید با کار سازنده، مشکلات مردم را کم و به پیشرفت کشور کمک نمایید.»^(۳۳) ۱۳۷۷/۰۷/۱۵

«میدان دیگر، میدان مجاهدت برای گسترش آبادانی و توسعه‌ی زندگی مردم در داخل کشور است که این از جمله واجب‌ترین مجاهدت‌های ماست. وقتی می‌گوییم توسعه‌ی زندگی، این معنا شامل معیشت، امنیت، بهداشت، فرهنگ، اخلاق و معنویات مردم می‌شود.»^(۳۴) ۱۳۸۲/۰۶/۱۹

«دقت کنید و چشم‌انداز بیست‌ساله را بخوانید. ما ملت ایران با این قانون اساسی جامع و با این ارکان نظام- اگر خوب کار کنند و درست کار کنند- می‌توانیم در ظرف بیست‌سال کشور خود را به نقطه‌ی اوج و قله‌ای که در این چشم‌انداز تصویر شده، برسانیم. سیاست‌ها را در نظر داشته باشید. سیاست‌ها براساس این چشم‌انداز تنظیم شده است. قانون‌ها باید با سیاست‌ها هماهنگ باشد؛ یعنی در دل سیاست‌ها جا بگیرد و به سمت این چشم‌انداز حرکت کند. آن چشم‌انداز هم بر پایه‌ی اسلام است. باید همه‌ی وقت و همت و شغل را مصروف همین اهداف کرد و درواقع ذوب در این اهداف شد.»^(۳۵) ۱۳۸۳/۰۳/۲۷

مرزهای دانش را بشکنید. این که من می‌گویم نهضت نرم‌افزاری، انتظار من از شما جوان‌ها و اساتید این است. تولید علم کنید. به سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید. کار کنید. با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد؛ در بعضی رشته‌ها زودتر و در بعضی رشته‌ها دیرتر. فن‌آوری هم همین‌طور است. علم باید ناظر به فن‌آوری باشد. فن‌آوری هم مرحله‌ی بسیار مهم و بالایی است. در فن‌آوری هم می‌توانیم پیش برویم؛ هم‌چنان که رفتیم.»^(۳۶) ۱۳۸۳/۰۴/۱۶

«آن‌چه امروز کشور به آن احتیاج دارد، این است که برای رفع فقر و ریشه‌کنی فساد و برخوردار کردن عامه‌ی مردم و مناطق گوناگون و همه‌ی زوایای کشور از منافع و برکات پیشرفت کشور باید برنامه‌ریزی شود؛ سیاست‌ها و برنامه‌ها باید ناظر به این هدف باشد.»^(۳۷) ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

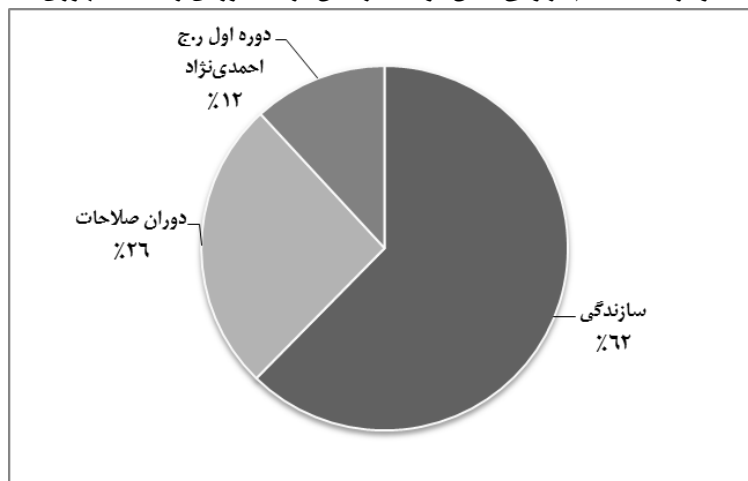
«سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور - که امسال، سال شروع آن است - یک کار اساسی و مهم است؛ افق آینده‌ی کشور را برای آحاد مردم روشن و مشخص می‌کند. در ضمن اجرای چند برنامه، این چشم‌انداز باید تحقق پیدا کند. امسال هم‌چنین سال شروع برنامه‌ی چهارم است، که باید بتواند سند چشم‌انداز را پنج‌سال جلو ببرد و از لحاظ زمان‌بندی، آن را به اهداف خود در طول این پنج‌سال برساند. این‌ها اهمیت این سال‌ها را برای ما معنا می‌کند.»^(۳۸) ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به‌خاطر این که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این‌را به‌دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی ایرانی است.»^(۳۹) ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

۷. تفسیر داده‌ها و بسامدها

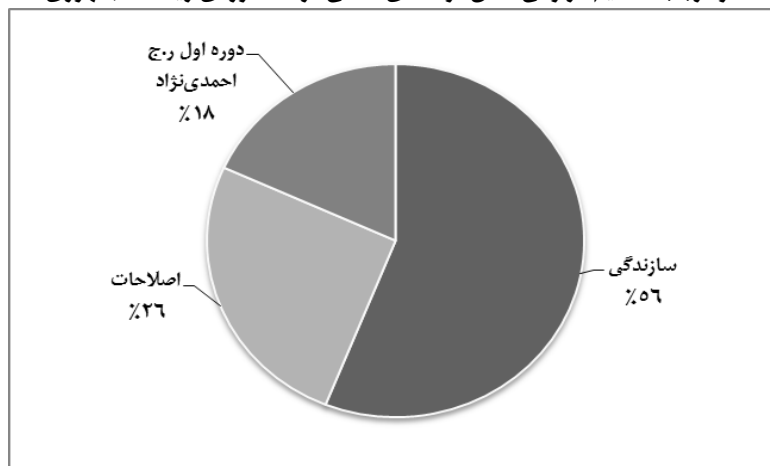
با نگاهی به جدول و نمودار (۱) می‌توان به این نکته پی برد که یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که باتوجه به شمارش بسامدها در بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب، در سیاست خارجی ایران تعریف شده است، نقش ملی دولت سرمشق است. تکرار این نقش با مجموع فراوانی ۱۹۴ و میانگین ۱۹ می‌باشد. هم‌چنین نقش ملی توسعه‌ی داخلی که نشان‌دهنده‌ی تلاش حکومت در پرداختن به مسائل پیشرفت و توسعه‌ی داخلی‌اش است با مجموع فراوانی ۲۱۴ و میانگین ۲۱ نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالای آن است. باتوجه به جدول (۱) می‌توان دریافت که ۶۲ درصد داده‌های نقش دولت سرمشق مربوط به دوران سازندگی، ۲۶ درصد آن در دوران اصلاحات و ۱۲ درصد در دوره‌ی اول ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد تکرار شده است.

نمودار(۳): تقسیم فراوانی نقش دولت سرمشق در سه دوره ریاست جمهوری



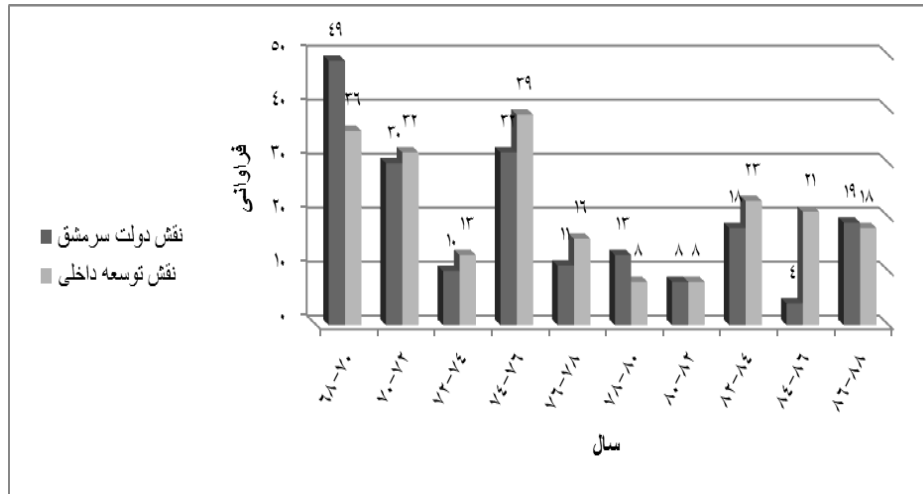
همچنین تقسیم فراوانی نقش توسعه‌ی داخلی (باتوجه به جدول ۲) شباهت بسیار نزدیکی به نقش دولت سرمشق دارد؛ به طوری که، به طوری که، ۵۶ درصد آن مربوط به دوران سازندگی، ۲۶ درصد آن مربوط به دوران اصلاحات و ۱۸ درصد فراوانی‌ها در دوره‌ی اول ریاست جمهوری احمدی نژاد تکرار شده است.

نمودار(۴): تقسیم فراوانی نقش توسعه‌ی داخلی در سه دوره ریاست جمهوری



برای مقایسه‌ی دو دسته از فراوانی‌های حاصل از نقش‌های ملی دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی می‌توان نمودار زیر را ترسیم نمود.

نمودار (۵): مقایسه‌ی فراوانی دو نقش ملی دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی



باتوجه به نمودار (۵) مشخص می‌شود که بالاترین فراوانی نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی مربوط به دوران ریاست‌جمهوری رفسنجانی می‌باشد. در این دوران، گروه کارگزاران سازندگی سعی کردند با اولویت قراردادن مسایل اقتصادی و جبران خسارات جنگ، در مسیر سازندگی کشور گام بردارند؛ به‌طوری‌که، هاشمی با انتقاد از عملکرد اقتصادی ایران از زمان انقلاب، در مبارزه‌ی انتخابی ۱۳۶۸ خود، قول «شکوفایی اقتصادی» کشور را داد و برنامه‌ی اقتصادی پنج‌ساله بی‌سابقه‌ای را به اجرا گذاشت (رضائی، ۱۳۸۰: ۸۳). از مقایسه‌ی فراوانی‌های دو نقش توسعه‌ی داخلی و دولت سرمشق، می‌توان دریافت که فرازوفروود این دو نقش در سال‌های مختلف، تقریباً یکسان بوده‌است. در سال‌هایی که فراوانی نقش دولت سرمشق افزایش یافته، به همین منوال فراوانی متغیر توسعه‌ی داخلی، آمار بالایی را نشان می‌دهد. بنابراین، نقش توسعه‌ی داخلی می‌تواند به‌عنوان مکمل نقش دولت سرمشق در جهت تأمین اهداف و منافع ملی کشور عمل کند. بنابراین، یکی از خط‌مشی‌هایی که می‌تواند ایران را به‌عنوان یک دولت سرمشق در منطقه معرفی کند پرداختن به مسایل توسعه‌ی داخلی و حرکت در مسیر سازندگی است. مقام رهبری، چنین بیان می‌کنند: «علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه‌ی انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره‌ی باعظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئناً نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه‌ی مطلوب را به دنیا ارایه بدهد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۵/۱۲- الف). از دیدگاه ایشان، افزون بر سازندگی کشور، خط‌مشی‌های دیگری که می‌تواند ایران را به دولت سرمشق تبدیل کند، عبارت‌اند از: «تشکیل حکومت اسلامی نمونه».

«مقاومت در مقابل قدرت‌های استکباری»، «عدالت اجتماعی»، «حفظ شخصیت، منش و چهره‌ی انقلابی خود»، «حفظ وحدت و یکپارچگی»، «ایجاد نظام مرفه و آزاد»، «استقلال ملی»، و «دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام».

بروز نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی در سیاست خارجی ایران انقلابی، خطاً بطلانی بود بر الگوی قهرآمیز صدور انقلاب، که توسط آرمان‌گرایان رادیکال در اوایل انقلاب مطرح شده بود. از نظر مقام رهبری، انقلاب اسلامی با «جاذبه‌های خودش» صادر می‌شود و نیازی به اقدام قهرآمیز برای صدور انقلاب ندارد: «من می‌گویم مسأله‌ی صدور انقلاب که بارها و بارها تکرار کرده‌اند، یک حرف بی‌معنا و بوج است. انقلاب چیزی نیست که کسی آن را صادر کند. انقلاب کالا نیست که بشود صادرش کرد. انقلاب، محموله نیست که بتوان آن را به جای دیگری برد و یا به کشور دیگری صادر کرد. انقلاب، اگر درست و منطقی باشد و اگر برای ملت‌ها جاذب باشد، خودش صادر می‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲-۰۱/۰۴-۱۳۷۲-ب). در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۰، آرمان‌گرایی بر فضای سیاست خارجی، چیره و برداشت تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، ایدئولوژیک بود (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۳). بنابراین، جمهوری اسلامی تلاش می‌کرد تا بدون توجه به نظام حاکم در روابط بین‌الملل، هنجارهای موجود در سیاست بین‌الملل را برهم زده و نظم موردنظر خود را جایگزین آن نماید. در این راستا سیاست خارجی جدید ایران مخاطب خود را ملت‌ها قرار داده بود، با این امید که از طریق ارتباط با ملت‌ها قادر خواهد بود به اهداف انقلاب اسلامی دست یابد (کریمی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

در حالی که جمهوری اسلامی در اواخر دهه‌ی ۶۰ در وضعیتی قرار داشت که وجود دو نقش توسعه‌ی داخلی و دولت سرمشق در سیاست خارجی بهتر می‌توانست منافع ملی ایران را تأمین کند و سیاست خارجی آرمان‌گرا دیگر پاسخگوی نیازهای داخلی و خارجی ایران نبود. چنانچه بعد از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ مقامات ایران، ارزیابی کاملاً مشخصی از اوضاع داخلی و سیاست‌های بین‌المللی بعد از انقلاب عرضه داشتند، که هدف اولیه‌ی آن‌ها را باید برطرف‌ساختن موانع توسعه‌ی ایران در دهه‌ی اول انقلاب دانست (احتشامی، ۱۳۸۷: ۸۵)؛ به‌طوری‌که، بالاترین اولویت برای آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی، بازسازی و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی کشور بود (رمضانی، ۱۳۸۰: ۸۳). علاوه بر این، پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی امام خمینی دست‌کم نشانه‌ی آن بود که از دید واقع‌گرایان، اولویت نخست، برپاکردن انقلاب اسلامی در داخل است نه صدور آن به خارج (رمضانی، ۱۳۸۰: ۷۲). این روند، نمایش خارجی انقلاب را کاهش داد، در نتیجه از صدور انقلاب صحبت کمتری به‌میان آمد. در همین راستا، رهبر انقلاب اسلامی چنین بیان می‌کنند: «مسأله‌ی این نیست که ملت ایران یا مسؤولان این کشور بخواهند با روش‌های معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح می‌شود، به‌طور طبیعی همه‌ی فضای عالم اسلام بنا بر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهند

کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۰۴ - ج). نیز: «نظام جمهوری اسلامی، در صدد صادر کردن هیچ چیز نیست. نظام جمهوری اسلامی دارای حقیقتی است که همان انقلاب است. این ملت، حقیقت انقلاب را به وجود آورد و نظام جمهوری اسلامی، تجسم انقلاب است... تفکر انقلاب و پیام انقلاب که پیام آزادی و بیداری است، احتیاج به صادر کردن ندارد. مگر لازم است کسی این مفاهیم را صادر کند؟! خوب؛ یک حرف و حقیقتی است که ملت‌ها از آن بی‌خبرند. وقتی مواجه شدند و تجربه‌ی موفق جمهوری اسلامی را دیدند، قهراً درس می‌گیرند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۳/۱۴ - د).

بعد از پایان جنگ، ضرورت سازندگی و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله‌ی بازسازی، استوار بر رفع انزوا، خودداری از دشمن‌تراشی و فعالیت بین‌المللی به نحو مثبت بود؛ که لازمه‌ی تحقق این اهداف، القای حس امنیت و بی‌خطری از جانب ایران نسبت به حکام منطقه بود (ایزدی، ۱۳۷۷: ۷۳). در این رابطه الگوی رفتاری کشور از رویارویی به مصالحه و از توسعه‌طلبی به همزیستی مورد تأکید قرار گرفت؛ در حالی که آرمان‌گرایان اوایل انقلاب، خواستار بهره‌گیری از هر وسیله‌ای برای صدور انقلاب بودند (احتشامی، ۱۳۷۸: ۸۶). مقام رهبری، وجهه‌ی «بین‌المللی بودن» و «فراملی بودن» انقلاب اسلامی را به معنای دخالت در امور دیگر کشورها نمی‌دانستند: «این که ما می‌گوییم «انقلاب یک وجهه‌ی بین‌المللی و جهانی دارد» به این معنا نیست که انقلاب در امور کشورها و ملت‌ها دخالت می‌کند. انقلاب یک پیام، حرف منطقی و یک راه روشن دارد. این راه روشن در مقابل چشم ملت‌هاست. ملت‌ها آن را می‌بینند. اگر ببینند آن را می‌پذیرند و از آن راه می‌روند. ما هیچ تحمیلی بر ملت‌های دیگر نداریم؛ اما واقعیتی که اتفاق افتاده این است که ملت‌ها این راه روشن را دیده‌اند و شناخته‌اند. تعداد ملت‌هایی که پیمودن این راه را انتخاب کرده‌اند، کم نیست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۳/۱۴ - د).

نقش‌های دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی را در پیوند با دکتترین ام‌القری نیز می‌توان نشان داد. ذات سیاست خارجی ایران انقلابی، محوریت‌بخشیدن به نقش ایران در بازسازی تمدن ایرانی و اسلامی است. در واقع، ادعای برتری در میان کشورهای جهان اسلام، یکی از آکسیوم‌های سیاست خارجی ایران پس‌انقلاب است: جهان اسلام یک امت واحد است، ملاک وحدت امت، رهبری آن است. پس از انقلاب اسلامی، ایران ام‌القری شد و امام خمینی دو مقام را بر عهده گرفتند، رهبری قانونی جمهوری اسلامی و ولایت بر جهان اسلام. هم‌چنین در ارتباط دیالکتیک ام‌القری و جهان اسلام، همه‌ی امت باید از ام‌القری دفاع کنند (حقیقت، ۱۳۷۶: ۷۱-۷۰). اساس این نظریه بر این است که اگر کشوری در میان بلاد اسلامی ام‌القری دارالاسلام باشد، به گونه‌ای که شکست یا پیروزی آن، شکست یا پیروزی کل اسلام به حساب آید، در این صورت حفظ ام‌القری بر هر امر دیگری ترجیح دارد. پس، چنان‌چه، بین صدور انقلاب و رفع نیازهای جمهوری اسلامی ایران، تزامنی پیش آید، باید به رفع نیازهای ایران توجه شود. طرح نظریه‌ی ام‌القری، نقطه‌ی عطفی در فرآیند اصلاح نگرش در حوزه‌ی سیاست خارجی ایران از ایدئالیسم به رئالیسم محسوب می‌گردد. خاستگاه این نظریه مکتب

واقع‌گرایی است؛ بنابراین، تأکید آن بر ضروریات، نیازها، مشکلات و معضلات داخلی سیستم بوده، هدف آن نیز برطرف‌ساختن این معضلات بود (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۹). از آنجایی که، حفظ اُم‌القری، بر هر امر دیگری اولویت دارد، نقش‌های دوگانه‌ی دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی از طریق دنبال کردن اهداف فراملی به روش مسالمت‌آمیز و کاهش تنش‌ها در حوزه‌ی روابط با کشورهای دیگر، می‌تواند در حفظ موجودیت اُم‌القری مؤثر باشد. می‌توان به این باور رسید که دکتترین اُم‌القری، هم نشانه‌ای از حذف مشی صدور قهرآمیز انقلاب به‌شمار می‌رفت؛ و هم، درواقع، نوعی فضا‌سازی برای نگهداشت همزمان دو موضوع به‌ظاهر متناقض بود: محور قراردادن بازسازی ایران و دست برداشتن از مقوله‌ی صدور انقلاب به‌مناب‌ه‌ی دنباله‌ی طبیعی انقلاب‌ها.

نتیجه‌گیری

در اواخر دهه‌ی ۶۰ جمهوری اسلامی ایران در شرایطی قرار گرفته بود که نیاز به تعریف نقش‌هایی در سیاست خارجی داشت که می‌توانست از بروز تنش با کشورهای دیگر جلوگیری کند. زیرا سیاست خارجی آرمان‌گرا، با طرح مسأله‌ی «انقلاب پیوسته»، بیش‌ترین اصطکاک را با غرب و کشورهای منطقه به‌وجود آورده بود. ولی در اواخر دهه‌ی ۶۰ شرایط، برای بازتولید سیاست خارجی آرمان‌گرا وجود نداشت. با پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸، حضور دو نقش ملی توسعه‌ی داخلی و دولت سرمشق در سیاست خارجی ایران موجه شد. با ظهور نقش دولت سرمشق، جمهوری اسلامی سعی می‌کند از راه تعقیب خط‌مشی‌های داخلی خاص، به‌عنوان یک حکومت الگو برای دیگر کشورهای اسلامی مطرح شود. از طرف دیگر، وجود نقش توسعه‌ی داخلی، که نشان‌دهنده‌ی پرداختن حکومت به مسائل توسعه داخلی‌اش است، می‌توانست به‌عنوان مکملی برای نقش دولت سرمشق در سیاست خارجی باشد. بنابراین، گام‌برداشتن در مسیر سازندگی و رشد و توسعه‌ی کشور می‌توانست یکی از مهم‌ترین خط‌مشی‌های داخلی جهت الگوشدن برای دیگر کشورها باشد. با دو نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ایده‌ی «انقلاب مستمر» که توسط آرمان‌گرایان انقلابی مطرح شده و قائل به استمرار انقلاب در جوامع دیگر بود، به فراموشی سپرده شد و به‌جای آن ایده‌ی «انقلاب مستقر» مطرح شد که منافع ملی را بر مصالح امت ترجیح می‌داد. نگاهی دوباره به گفتارها و نوشتارهای رهبری جمهوری اسلامی، در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸، نشان‌گر این موضوع است که ایشان نیز باتوجه به واقعیت‌های زمامداری کشور و نیز استلزامات نظام بین‌المللی، الگوی صدور مسالمت‌آمیز و فرهنگی انقلاب ایران را مدنظر آورده و در آغاز، به ساختن یک الگوی حکومتداری، باور پیدا کرده‌اند؛ امری که، می‌تواند آرمان‌گرایی را در کالبد واقع‌گرایی تلطیف و آمیخته نماید.

منابع

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه‌ی ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ازغندی، علی‌رضا (۱۳۷۸)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی، مورد جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست خارجی*، سال سیزدهم.
- ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، قومس.
- سپوزیتو، جان (۱۳۸۵)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه‌ی محسن مدیرشانه‌چی، تهران، باز.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی دولت اصلاحات: موفقیت‌ها و شکست‌ها*، تهران، باز.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- امرایی، حمزه (۱۳۸۳)، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امیری، عبدالله (۱۳۸۵)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه‌ی نشر علوم نوین.
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه، چاپ دوم.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، *نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، *جامعه‌ی امن در گفتمان خاتمی*، تهران، نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران»، راهبرد، شماره‌ی ۲۷، بهار ۱۳۸۲.
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱) «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه‌ی صدور فرهنگی انقلاب»، *پژوهشنامه‌ی انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره‌ی ۴، پاییز ۱۳۹۱.
- جواهری، محمدرضا (۱۳۷۸)، «تداوم انقلاب»، در کتاب: *کمیته‌ی پژوهش و مطالعات ستاد دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی*، [بهاهتمام] راه انقلاب: مجموعه مقالات پژوهشی درباره‌ی انقلاب اسلامی، تهران، نشر هماهنگ، جلد دوم.
- حشمت‌زاده، محمداقبر و عبدالرحیم گواهی (۱۳۸۰)، *آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران*، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- حشمت‌زاده، محمداقبر (۱۳۸۵)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۷۶)، *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک سیاست خارجی.
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۸-ج)، «بیانات در مراسم بیعت روحانیون استان مازندران و اصفهان و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران»، در ۴ تیرماه ۱۳۶۸، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2110>
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۴-د)، «بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)» در ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2755>
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۴-د)، «بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)» در ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2755>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۴- ب)، «بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر» در ۴ فروردین ۱۳۷۴ قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2661>
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۸- الف)، «بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی»، ۱۲ مرداد ۱۳۶۸ قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2153>
- خرمشاد، محمدباقر [و همکاران] (۱۳۹۰)، *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران*، تهران، سازمان سمت.
- خلیلی، محسن و مظفری‌پور، مریم و موسوی‌زاده جزایری، سیدمحسن (۱۳۹۰)، «مقایسه‌ی مفهوم صدور انقلاب در انقلاب‌های فرانسه و روسیه»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال دوم، شماره‌ی اول، شماره‌ی پیاپی ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- خلیلی، محسن و حمیدی، سمیه (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره‌ی ۲۷، پاییز ۱۳۹۱.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل*، تهران، علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، *چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سازمان سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۸)، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره‌ی دوم، شماره‌ی پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۹)، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- رضائی، روح‌الله (۱۳۸۰)، *چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه‌ی علی‌رضا طیب، تهران، نشر نی.
- ستوده، محمد (۱۳۸۵)، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم، بوستان کتاب.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عمیدزنجانی، عباس‌علی (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی ایران*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، *فلسفه‌ی انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن*، قم، زلال کوثر.
- فرزندی اردکانی، عباس‌علی (۱۳۸۶)، «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب)»، *پژوهشنامه‌ی متین*، سال ۹، شماره‌ی ۳۶، پاییز ۱۳۸۶.
- فلاح‌نژاد، علی (۱۳۸۴)، *سیاست صدور انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فورن، جان (۱۳۸۲)، *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- کریمی فرد، حسین (۱۳۸۸)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس مؤلفه‌های هویت ملی»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۸۸.
- گلدستون، جک [ویراستار]، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه‌ی محمدتقی دل‌فروز، تهران، کویر.

- مجرّد، محسن (۱۳۸۶)، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، شبان‌نیا، قاسم [تدوین و نگارش]، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، مؤسسه‌ی پژوهشی و آموزشی امام خمینی.
- معاونت پژوهشی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸)، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- معیادی، حمید، (۱۳۸۱)، چالش‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، [گردآوری و تنظیم] (۱۳۸۰)، ویژگی‌های انقلاب اسلامی در آیین‌ی نگاه مقام معظم رهبری، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- نوازی، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران، پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- هالستی، کالوی جاکوی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه‌ی بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران، وزارت امور خارجه.
- یزدانی، عنایت‌الله و جمیل اخجسته (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه‌ی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره‌ی ۳، تابستان ۱۳۹۱.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- «بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم»، در ۲۲ اسفند ۱۳۶۸، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2276>
- ۲- «بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی»، در ۱۲ شهریور ۱۳۸۶، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2153>
- ۳- «پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)»، در ۱۰ خرداد ۱۳۶۹، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2316>
- ۴- «سخن‌رانی در دیدار با جمع طلاب و دانشجویان به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه»، در ۲۸ آذر ۱۳۶۹، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17947>
- ۵- «بیانات در دیدار جمعی از آزادگان»، در ۲۹ شهریور ۱۳۶۹، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2342>
- ۶- «بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان»، در ۲۵ تیرماه ۱۳۶۹، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2336>
- ۷- «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی»، در ۲ بهمن ۱۳۷۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2561>
- ۸- «بیانات در دیدار مردم قم»، در ۱۹ دی ۱۳۷۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2555>
- ۹- «بیانات در دیدار زائرین و مجاوین حرم مطهر رضوی»، در ۲۹ فروردین ۱۳۷۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2444>

- ۱۰- «بیانات در بازدید از پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان»، ۱۸ مهر ۱۳۷۱، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2639>
- ۱۱- «بیانات در دیدار یگان‌های حاضر در مانور عاشورا»، در ۲۵ خرداد ۱۳۷۴، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2757>
- ۱۲- «بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)»، در ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2755>
- ۱۳- «بیانات در دیدار جمعی از پاسداران»، در ۲۴ آذر ۱۳۷۵، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2821>
- ۱۴- «بیانات در دیدار جمعی از پاسداران»، در ۲۴ آذر ۱۳۷۵، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2821>
- ۱۵- «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه»، در ۲۴ شهریور ۱۳۷۷، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2904>
- ۱۶- «بیانات در دیدار جمع کثیری از جوانان استان اردبیل»، در ۵ مرداد ۱۳۷۹، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3018>
- ۱۷- «بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری»، در ۳۱ شهریور ۱۳۸۳، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3250>
- ۱۸- «بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی»، در ۱ فروردین ۱۳۸۶، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3378>
- ۱۹- «بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام»، در ۱۹ شهریور ۱۳۸۷، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3783>
- ۲۰- «بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)»، در ۱۴ خرداد ۱۳۸۷، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3463>
- ۲۱- «بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم»، در ۳ تیر ۱۳۶۸، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2109>
- ۲۲- «بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم»، در ۳ تیر ۱۳۶۸، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2109>
- ۲۳- «بیانات در دیدار جمعی از آزادگان»، در ۲۹ مرداد ۱۳۶۹، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2342>
- ۲۴- «پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)»، در ۱۰ خرداد ۱۳۶۹، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2316>
- ۲۵- «بیانات در دیدار مدیران وزارت نفت»، در ۱۲ آذر ۱۳۷۰، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2519>
- ۲۶- «بیانات در دیدار مدیران وزارت نفت»، در ۱۲ آذر ۱۳۷۰، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2519>
- ۲۷- «بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد سازندگی»، در ۲۸ خرداد ۱۳۷۰، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2465>
- ۲۸- «بیانات در دیدار مردم ساری»، در ۲۲ مهر ۱۳۷۴، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2770>

- ۲۹- «بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر»، در ۱ اسفند ۱۳۷۴، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2785>
- ۳۰- «بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران»، در ۸ شهریور ۱۳۷۵، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2809>
- ۳۱- «بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان کشور»، در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۵، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2798>
- ۳۲- «بیانات در دیدار مردم کرج»، در ۲۴ مهر ۱۳۷۶، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2858>
- ۳۳- «بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد سازندگی»، در ۱۵ مهر ۱۳۷۷، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2909>
- ۳۴- «بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری»، در ۱۹ شهریور ۱۳۸۲، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3192>
- ۳۵- «بیانات در دیدار نمایندگان مجلس»، در ۲۷ خرداد ۱۳۸۳، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3235>
- ۳۶- «بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان»، در ۱۶ تیر ۱۳۸۳، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3241>
- ۳۷- «بیانات در دیدار مردم کرمان»، در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3278>
- ۳۸- «بیانات در دیدار مردم کرمان»، در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3278>
- ۳۹- «بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383>